

اهداف استراتژیک در پس دشمن تراشی های انسان دوستانه

"درحاشیه جدید ترین گزارش روزنامه گاردین مبنی بر حمایت امریکایی ها از طالبان"

تقی بیگزاد

روزنامه گاردین انگلیس با ارائه گزارشی اعلام کرد که تمامی نگرشها و اعتقادهای موجود بر این نقطه متمرکز است که آمریکا جهت طولانی کردن درگیریهای دائم در افغانستان و به هدف گسترش و ادامه نفوذ خود در منطقه آسیای میانه از طالبان حمایت می‌کند. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، روزنامه گاردین انگلیس با ارائه گزارشی نوشت: تمامی روشنفکران و نخبگان افغان و حتی نیروهای بین المللی در افغانستان بر این اعتقادند که آمریکا و یا به عبارتی غرب از گروه طالبان افغانستان حمایت می‌کند. در ادامه این گزارش آمده است: اکثر رسانه‌های جهانی و نیروهای بین المللی و صاحب نظران و متفکران افغان و غیره معتقدند که آمریکا در طولانی شدن بحران در افغانستان ذی نفع است چرا که می‌تواند به مدت بیشتر و طولانی تری در این کشور باقی بماند.

همچنین بر اساس این گزارش افغانستان به دلیل منابع طبیعی و موقعیت استراتژیک خود برای آمریکا بسیار حائز اهمیت است.

این روزنامه انگلیسی در ادامه می‌نویسد: تسلط بر افغانستان این امکان را به ایالت متحده آمریکا می‌دهد که بر هند، روسیه، پاکستان، چین و دیگر کشورهای آسیای میانه مسلط باشد.

این روزنامه می‌نویسد: آمریکا از اسرائیل به عنوان یک ادا ت تهدید علیه کشورهای عربی

استفاده می‌کند و می‌خواهد که از افغانستان نیز به این گونه استفاده کند چرا که هر کسی که بر آسیا مسلط شود در آینده بر کل جهان مسلط خواهد شد.

روزنامه گاردین می‌نویسد: این موضوع درباره انگلستان نیز صادق است چرا که دولت انگلیس خواهان آن است که به مدت بیشتری در افغانستان بماند و همین امر منجر شده است که دولت انگلیس به دنبال کانالی برای گفت و گو با طالبان و قانع ساختن آنها جهت بازگشت به حکومت باشد.

این گزارش درحالی نشر شده است که چندی قبل سه وزیرکابینه انگلیس به ولایت هلمند آمدند و افغانستان را یک افغانستان قرن سیزدهمی خواند و گفت که ما مجبور نیستیم برای یک کشور قرن سیزدهمی سربازان مان را به کشتن بدهیم. هم چنان به تازگی اتهامات مبنی بر اینکه نیروهای انگلیسی در ولسوالی مارجه ولایت هلمند با طالبان همکاری داشته است و از زمان مستقر شدن نیروهای آمریکایی اوضاع امنیتی در این منطقه بهتر شده، نیز مطرح شده است.

از سوی دیگر سالهای قبل شماری از نمایندگان مجلس نمایندگان افغانستان ادعا کردند که هیلوکوپترهای امریکایی در ولایت زابل دریک منطقه به طالبان اسلحه تحویل داده اند و هم چنان این زمزمه و گمانها که امریکایی ها خودشان طالبان را کمک می کنند وحتی یکی ازباشندگان ولسوالی مقرولایت غزنی گفت که خود وي به چشم سرخود دیده است که امریکایی ها پول هاي شاهراه کابل - قندهار را ماین گذاری کرده است و انفجار داده است به طورگسترده افکارعمومي مردم افغانستان را تحت تأثیرقرار داده است. هم چنان از زمان اوج تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته این خبربه سرعت فراگیرشد که از طرف شب هیلوکوپترها

در مناطق شمال کشور افرا د مسلح را پیاده می نمایند.

هرچند که به طور قطعی نمی توان صحت و بطلان این زمزمه ها را رد یا تأیید کرد، اما باتوجه به اینکه مردم افغانستان شاهدان و ناظران خوبی اوضاع سیاسی- امنیتی افغانستان هستند و در تمام نقاط کشور حضور فعال دارند و هیچ معامله و عملکرد پیدا و پنهانی نمی تواند به طور کامل و تا ابد از چشم مردم افغانستان پنهان بمانند و باتوجه به اینکه فعلاً هر هزار سرباز خارجی در مقابل يك نفر طالب می جنگند؛ می توان گمانه زنی و تحلیل نمود که آمریکایی ها با در نظر داشت قدرت و امکانات که در دست دارند نمی خواهند طالبان را شکست بدهند. ازسوی دیگر توانایی و ظرفیت وسیع و دقیق ایالت متحده امریکا در عرصه اطلاعاتی و مسایل سیاسی و نظامی در سطح جهان باعث شده است که کسی نتواند این تصور را بکند که آیا امریکایی ها واقعاً نمی توانند چند نفر طالب را شکست بدهند؟

آیا قدرت نظامی و سیاسی و اطلاعاتی و تسلیحاتی امریکا در افغانستان به قدری نیست که اگر صادقانه با تمام نیروهای شان در برابر طالبان بجنگند نتوانند طالبان را شکست بدهند و یا حداقل از قدرتمندی و نفوذ روز افزون آنها جلوگیری نمایند؟ این سوالها از جمله سوالهای است که همه از متن قدرتمندی امریکا در منطقه و جهان و به خصوص در افغانستان برخواسته است و همزمان با افشای بعضی کارکردهای امریکا و انگلیس در مناطق مختلف افغانستان که نشان از معاملات و داد و ستود با نیروهای مخالف دولت را دارند این باور را تقویت کرده است که امریکایی ها به دنبال کمک به مخالفین دولت است برای تداوم حضور خود در افغانستان، چون با تأمین امنیت در افغانستان دیگر بهانه ای برای حضور امریکا در افغانستان نمی ماند و حضور نظامی امریکا در افغانستان از منظر حقوق بین الملل قابل توجیه نخواهد بود

وبه مثابه اي نقض حاکمیت ملي افغانستان تلقي خواهند شد.

لذا، امریکایی با این دید مجبور است که برای رسیدن به طرح های بزرگ منطقه ای و استراتژیکی خود در منطقه مشکل تراشی جدي را در سیاست خارجی خود مطرح نمایند و این مشکل تراشی را بهانه ای برای حضور خود در منطقه افغانستان بدانند. مانند اینکه تروریسم در راس دکتورین سیاست خارجی امریکا بعد از ختم جنگ سرد می باشد این بهانه و بهانه های دیگری مثل حقوق بشر و طالبان در راس سیاست خارجی امریکا برای تقویت و تداوم حضور امریکا می باشند که برای رسیدن به این ارمانها از حربه ای مثل طالب و حقوق بشر و ... استفاده خواهند کرد و بعید نیست که امریکایی ها به صورت جدي از مخالفین دولت افغانستان حمایت کنند تا به منافع ملي امریکا برسند.